



نگاهی به دایرةالمعارف ادبی جدید کیندلر

سعید رضوانی (عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی)

دایرةالمعارف ادبی جدید کیندلر *Kindlers Neues Literatur Lexikon*، در مقدمه‌ای که هیئت ویراستاران این اثر بر آن نوشته (← ج ۱، ص IX)، «دایرةالمعارف آثار ادبیات جهان از آغاز تاکنون» خوانده شده است. حجم عظیم این اثر را از همین تعریف کوتاه می‌توان حدس زد که، در آن، دامنه بررسی و معرفی آثار نه به لحاظ مکان محدود شده است نه به لحاظ زمان و نه به لحاظ زبان و فرهنگ. این دایرةالمعارف، که طی سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۲ در بیست جلد و ۲۰۵۶۸ صفحه منتشر شده، مجموعه‌ای کم‌نظیر در زمینه ادبیات ملل است.^۱ این اثر ویرایشی است جدید از دایرةالمعارف ادبی کیندلر *Kindlers Literatur Lexikon* که بیش از دودهمه قبل به چاپ رسیده بود (← همان‌جا). هلموت کیندلر^۲، سرپرست دایرةالمعارف ادبی کیندلر، آن را بر پایه فرهنگ آثار همه اعصار ادبیات جهان (*Dizionario delle Opere di tutti Tempi e di tutte le Letterature*)، به سرپرستی والتسیو بومپانی^۳ و تحریر فرانسه آن (فرهنگ آثار *Dictionnaire des œuvres*) پدید آورده بود. کیندلر از بومپانی و مؤسسه انتشاراتی فرانسوی لافون *Laffont*،

(۱) دایرةالمعارف ادبی جدید کیندلر دو جلد تکمیلی هم دارد که در سال ۱۹۹۸ منتشر شده‌اند و موضوع این مقاله نیستند.

2) Helmut Kindler

3) Valerio Bompiani

ناشر فرهنگ آثار، حق ترجمه مقاله‌های آن فرهنگ‌ها را خریداری کرد.

(← Kindlers Literatur Lexikon-Online-Testzugriff، به نقل از پیشگفتار چاپ سوم Kindlers Literatur Lexikon)

ویرایش جدید، در مقایسه با ویرایش اول این دایرةالمعارف، تغییرات بسیاری کرده است: حجم آن (بیست جلد) از حجم ویرایش اول (هشت جلد) به مراتب بیشتر است؛ مدخل‌ها، برخلاف ویرایش اول که بر مبنای عنوان آثار اختیار شده بود، بر اساس نام خانوادگی اثرآفرینان اختیار و به ترتیب الفبایی مرتب شده‌اند (← ج ۱، ص IX)؛ مقاله‌های بسیاری در ویرایش جدید بازبینی شده‌اند؛ ویراستاران در اصلاح اشتباهات ویرایش اول کوشیده‌اند و حتی، در مواردی، مقاله‌ها از نو تألیف شده‌اند (← همان‌جا). کتاب‌شناسی مقاله‌ها نیز به روز شده است (← همان‌جا). سرانجام، معرفی شعر در ویرایش جدید تفاوت مهمی با ویرایش اول دارد: در ویرایش اول، تنها آثار معین شعری یا دفترهای مستقل شعر معرفی شده بود؛ اما در ویرایش جدید، علاوه بر آن، کل مجموعه آثار شعری شاعران مهم (در حدود هزار و پانصد شاعر)، با عنوان «آثار شعری»، معرفی شده است. (← همان‌جا)

دایرةالمعارف ادبی جدید کیندلر حاوی دو مقدمه (یکی با امضای هیئت ویراستاران و دیگری به قلم سرپرست دایرةالمعارف)؛ متن اصلی؛ فهرست‌های متعدد از جمله فهرست نویسندگان و شاعران و فهرست مشاوران فنی اثر؛ و نمایه‌ها (از جمله نمایه نشانه‌های اختصاری) است.

در این مقاله، دایرةالمعارف ادبی جدید کیندلر، که از این پس آن را «دایرةالمعارف کیندلر» یا «اثر» می‌خوانیم، پس از ذکر مشخصات کتاب‌شناختی آن، در چهار بخش «اهداف اثر و روش تحقیق اختیارشده»؛ «ساختار برونی اثر»؛ «محتوای اثر»؛ و «ادبیات فارسی در دایرةالمعارف کیندلر» معرفی و بررسی می‌شود.

مشخصات کتاب‌شناختی اثر:

نام: Kindlers Neues Literatur Lexikon

سرپرست: Walter JENS

سرویراستار: Rudolf Radler

ناشر و محل نشر: Kindler, München

تاریخ انتشار: ۱۹۸۸-۱۹۹۲، دو جلد تکمیلی ۱۹۹۸ (ویرایش اول با عنوان
Kindlers Literatur Lexikon ۱۹۶۵-۱۹۷۲؛ جلد تکمیلی ویرایش اول ۱۹۷۴)

اهداف اثر و روش تحقیق اختیار شده در آن

ویراستاران دایرةالمعارف کیندلر، در تعریف اهداف و روش تحقیق خود، پیش از هر چیز بر ماهیت اثر به عنوان «دایرةالمعارف آثار» (*Werklexikon*) تأکید کرده‌اند (ج ۱، ص IX). آنان خود را پایه‌گذار در تألیف دایرةالمعارف آثار به زبان آلمانی شناسانده‌اند. به راستی نیز، دست کم در میان فرهنگ‌ها و دایرةالمعارف‌های معروف آلمانی، تا آنجا که نگارنده بسته و دیده است، اثر دیگری که بتوان آن را به معنای دقیق کلمه فرهنگ یا دایرةالمعارف آثار خواند نمی‌توان یافت. هستند آثار مرجعی به زبان آلمانی که، در آنها، از مؤلفه‌های تاریخ ادبیات (اثرآفرینان، آثار، مکاتب، ...) بیشتر به آثار ادبی توجه شده است؛ اما این برای تبدیل آنها به فرهنگ آثار کافی نیست؛ چون مقدار درخور توجهی از حجم آنها به مؤلفه‌های دیگر اختصاص یافته است.^۴ برعکس، دایرةالمعارف کیندلر، در بخش عمده خود (هفده جلد اول از بیست جلد)، تقریباً فقط به آثار ادبی می‌پردازد و، در آن، حجم اطلاعاتی که به آثار مربوط نباشد ناچیز است. به علاوه، تأکید بر آثار در ساختار مدخل‌ها نیز منعکس شده است: مقاله‌ها، ذیل نام نویسنده، عمدتاً عنوان خود را از آثار ادبی معین گرفته‌اند، یعنی هر مقاله مشخصاً به معرفی اثری معین در تاریخ ادبیات ملل اختصاص دارد. در مقدمه هیئت ویراستاران می‌خوانیم:

مقاله‌ها هر کدام درباره تاریخ پیدایش و محتوای اثر اطلاعاتی به دست می‌دهند، به تفسیر و تأثیر آن اشاره‌هایی دارند، و جایگاه آن را در تاریخ اندیشه یا ادبیات معین می‌کنند. (همان‌جا) رودیگر کرون^۵، منتقد آلمانی، دایرةالمعارف کیندلر را در ردیف آثاری جای می‌دهد که، در پایان قرن بیستم، مجموع دستاوردها را کم و بیش گرد می‌آورند و پیش چشم خواننده می‌گذارند (Krohn, S. 352). او این قبیل آثار را چنین توصیف می‌کند:

هدف این گونه آثار تلخیصی، بیش از آنکه توصیف و تفسیر باشد، برشمردن و ارائه مواد است.

(۴) برای نمونه ← *Deutsche Dichter, Leben und Werk deutschsprachiger Autoren* به سرپرستی Frank Rainer Max, Gunter E. Grimm.

5) Rüdiger Krohn

اصولاً پیداست که وسعتِ سردرگم‌کننده حقایقِ کشف‌شده به کوشش دانشمندان بیشتر به گردآوری و ارائه راه می‌دهد تا تعمق و پردازش چه رسد به تفسیر انتقادی. در این آثار، بالیدن به دستاوردها بیشتر به چشم می‌خورد تا جرئت تسلط و نگرش جامع. در این انباشتگی‌های فارغ از ارزش‌گذاری می‌توان روح زمان را مشاهده کرد. (همان‌جا)

اما ادعای هیئت ویراستاران دایرةالمعارف کیندلر درست برعکس این نظر است:

کوشش شده است که دایرةالمعارف ادبی جدید کیندلر نیز، مانند دایرةالمعارف ادبی کیندلر، دایرةالمعارف به معنای سنتی کلمه و تنها ثبت‌کننده آنچه موجود است نباشد بلکه، علاوه بر آن، امکان ارزش‌گذاری‌های جدید را فراهم آورد. (ج ۱، ص XI)

ویراستاران دایرةالمعارف کیندلر، در مقدمه، درباره ملاک‌های گزینش آثار توضیحاتی داده‌اند. از جمله اینکه به تفاوت معیارهای موجود در ادبیات فرهنگ‌های گوناگون توجه شده است. به قول آنان، اولاً

آن مفاهیم زیبایی‌شناختی که از زمان ارسطو تاکنون در ادبیات مغرب‌زمین شکل گرفته‌اند برای آثاری که در فرهنگ‌هایی با ساختاری کاملاً متفاوت پدید آمده‌اند و نگاهی دیگر به زندگی را منعکس می‌کنند معتبر نیستند. (همان‌جا)

ثانیاً

تصویر دوران را فقط آفرینش‌های بزرگ ذهن انسانی به دست نمی‌دهند. آثار سطحی، رمانِ سرگرم‌کننده پُرفروش، نوشته به‌ناحق فراموش‌شده نویسنده‌ای کم‌نفوذ و البته نمونه‌های انسان‌ستیزانه، از Hexenhammer گرفته تا Mein Kampf (برو من)، اثر هیتلر، نیز زمانی را که، در آن، دارای تأثیر بوده‌اند به تصویر می‌کشند هرچند تأثیر آنها، در بسیاری موارد، از نوع ادبی نبوده است. مهم‌ترین و نوعی‌ترین این‌گونه آثار نیز لحاظ شده‌اند. (همان‌جا)

ثالثاً آثار کوتاهی که در اصل به صورت کتاب انتشار نیافته‌اند معرفی نشده‌اند مگر آنکه دستاوردهایی کم‌نظیر و نمونه‌وار بوده باشند یا اسناد ادبی یا تاریخی دوران و یا نوع یا فرمی معین. (ج ۱، ص X)

رابعاً

مجموعه‌های داستان کوتاه و بلند تنها در مواردی وارد شده‌اند که نه مجموعه‌ای اتفاقی از چند

۶) عنوان اثری کلیسایی از Heinrich Krämer متعلق به قرن پانزدهم، درباره جادوگری و مبارزه با آن.
(→ Killy Literaturlexikon, Bd. VI, S. 47)

اثر جداگانه بلکه آثاری بوده باشند یا مرکب از نوشته‌هایی مرتبط با یکدیگر و یا به‌گونه‌ای دیگر برخوردار از انسجام کافی... مجموعه‌های داستان، مقاله، و کلماتِ قصار تنها در مواردی اختیار شده‌اند که، در تاریخ ادبیات، اثری واحد شناخته شده باشند... نامه‌ها و خاطرات، تنها اگر در آنها جنبه خصوصی و حسب حال از تبادل افکار درباره مسائل مورد علاقه عموم کم‌رنگ‌تر بوده باشد، معرفی شده‌اند... آنجا که از قالب نامه برای تشریح افکار استفاده شده... و آنجا که نامه، اعتراف، بازنگری زندگی، و دفتر خاطرات به قالب هنری درآمده، واقعیت به ادبیات و ثبت تجربیات فردی به سند تاریخی بدل شده است. (همان‌جا)

سرانجام این‌که

آثار کاملاً فنی، ملخص‌های آموزشی، کتاب‌های فنی - علمی عامه‌پسند و دیگر نوشته‌هایی که مصرف معین دارند عموماً وارد نشده‌اند. (همان‌جا)

به رغم آثاری که نوعاً در دایرةالمعارف کیندلیر وارد نشده‌اند، دامنه آثار معرفی شده در آن از حدودی که معمولاً در این‌گونه دایرةالمعارف‌ها برای ادبیات منظور می‌شود فراتر می‌رود، چون

در این دایرةالمعارف، آثار مکتوب همه شاخه‌های علوم انسانی و طبیعی نیز، چنانچه بر سیر تاریخ و بر چهره یک ملت یا قوم تأثیر گذاشته باشند، منظور شده‌اند. (ج ۱، ص IX)

ویراستاران، هرچند بر اثر محور بودن این دایرةالمعارف تأکید کرده‌اند، در معرفی متون قدیم یا سنت‌های ادبی بدون قُرم مشخص، ناگزیر شده‌اند، در آنجا که آثار عنوان اصلی جداگانه ندارند، از شیوه معمول عدول کنند و مدخل‌های کلی مانند Ägyptische Totenliteratur («ادبیات مردگان مصر») یا Altpersische Keilinschriften («کتیبه‌های میخی پارسی باستان») را اختیار کنند. (ج ۱، ص X)

در مقدمه ویراستاران، از مشکل ارائه تصویر کلی ادبیات ملل از طریق معرفی آثار معین آنها یاد شده است - مشکلی که در چارچوب اصول در نظر گرفته شده برای تدوین دایرةالمعارف کیندلیر قابل حل نبوده است:

هیچ‌یک از قواعد وضع شده نمی‌توانست برای همه حوزه‌ها معتبر باشد و برای همه پدیده‌های زبان و ادبیات به کار رود. معیارهای زیباشناسی تکامل یافته نیز در بسیاری موارد مفید نبوده‌اند، مثلاً در آنجا که قدر و مرتبه اثری تنها به نسبت میزان و سطح رشد ادبیات ملتی یا زمان خاصی می‌تواند سنجیده شود. (همان‌جا)

مع الوصف ویراستاران هدف خود را ارائه تصویری از ادبیات ملل اعلام می‌کنند - تصویری که تفاوت‌های تاریخی فرهنگ‌های گوناگون را منعکس سازد (همان‌جا). آنان همچنین آگاهانه جانب آن دسته از تاریخ ادبیات نگاران را می‌گیرند که می‌خواهند مجموعه‌ای از آثار را به حیث مهم‌ترین آثار تاریخ ادبیات به کرسی بنشانند. کوشش شده است که دایرةالمعارف کیندلر سهم خود را در این مجموعه‌سازی ادا کند. (همان‌جا)

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ویراستاران آثاری که به قلم نویسندگان متعدد است آن است که میان نوشته‌ها، به لحاظ شکل و ساختار محتوایی همچنین سبک، در حد امکان هماهنگی ایجاد کنند. اما ویراستاران دایرةالمعارف کیندلر می‌نویسند که در این زمینه شیوه‌ای دیگر اختیار کرده‌اند:

یکسان‌سازی نگاه تقریباً هزار همکار فقط به طور محدود امکان‌پذیر بوده اما چندان هم مورد علاقه ما نبوده است. این دایرةالمعارف به هیچ وجه نمی‌تواند و نمی‌خواهد انکار کند که اثر نویسندگانی با روحیه‌های بسیار متفاوت است. در اینجا، همه شیوه‌های توصیفی، از گزارش کاملاً فنی متخصصان منضبط گرفته تا تفسیر مسلط مقاله‌نویسان خبیر و ماهر، گرد آمده‌اند. بگانه وجه اشتراک همه نویسندگان احساس وظیفه در قبال اثری است که معرفی کرده‌اند. (همان‌جا)

ساختار برونی اثر

چنان‌که پیش‌تر گفته شد، دایرةالمعارف کیندلر مجموعه‌ای است بیست جلدی متشکل از مقاله‌های مستقل به قلم نویسندگان متعدد. مقاله‌ها به سه بخش تقسیم می‌شوند:

۱. مقاله‌های جلد‌های اول تا هفدهم، هر کدام، به معرفی اثری ادبی در تاریخ ادبیات جهان اختصاص یافته و عنوان خود را از نام همان اثر گرفته‌اند. این مقاله‌ها ذیل مدخل‌هایی که هریک از آنها عنوان خود را از نام اثر آفرین گرفته، دسته‌بندی شده‌اند. بدین سان، مقاله یا مقاله‌های متعلق به اثر یا آثار هر نویسنده ذیل مدخلی به نام آن نویسنده درج شده است.

۲. مقاله‌های جلد هجدهم و بخشی از جلد نوزدهم یا هر کدام خود مدخلی هستند که اثری از اثر آفرینی ناشناس را معرفی می‌کند، مانند «Der Deutschenspiegel»

(«آینه آلمانی‌ها») (ج ۱۸، ص ۴۶۷)؛ یا ذیل مدخلی متشکل از چند مقاله جای گرفته‌اند. این‌گونه مدخل‌ها، هریک، در کلیت خود، چرخه‌ای^۷ از آثار مشابه را، با نظر به سیر تحول مایه غالب یا موضوعی واحد در ادبیات ملل، می‌شناسانند؛ مانند مدخل «Alexanderroman» «داستان اسکندر» (ج ۱۸، ص ۷۹) که، در آن، اسکندرنامه‌های اقوام متعدّد معرفی شده‌اند. مدخل‌های این بخش از اثر (جلد هجدهم و بخشی از جلد نوزدهم) عنوان خود را از نام اثر یا دسته آثار چرخه‌ای واحد گرفته‌اند.

۳. مقاله‌های بخشی از جلد نوزدهم و جلد بیستم، هر کدام، به معرفی کلی ادبیات یکی از زبان‌ها، اقوام، یا مناطق جهان اختصاص دارند. هریک از این مقاله‌ها خود مدخلی است با عنوان نام هریک از ادبیات‌ها، مثلاً «ادبیات عربی». (ج ۱۹، ص ۸۸۱) مدخل‌ها، به استثنای مقاله‌های دسته سوم که ظاهراً به ترتیب خاصی مرتّب نشده‌اند، به ترتیب الفبائی عناوین آنها مرتّب گشته‌اند. در جلدبندی اثر، جز حجم بیش و کم نزدیک به یکدیگر اعتبار نشده است.

در سطح مدخل، ترتیب الفبائی رعایت شده است. شمار مدخل‌های جلد‌های اوّل تا هفدهم، که هریک به معرفی آثار اثرآفرینی معین اختصاص یافته، غلبه تام دارد. مقاله‌های ذیل این مدخل‌ها نیز، که در هریک از آنها اثری از اثرآفرین مدخل شده بررسی شده است، به ترتیب الفبائی عنوان اثر مرتّب گشته‌اند.

محتوای اثر

مدخل‌های جلد‌های اوّل تا هفدهم

در ابتدای این مدخل‌ها، تا آنجا که به اطلاعات دسترسی بوده، تاریخ و محل تولّد اثرآفرین و، در مورد اثرآفرین درگذشته، همچنین تاریخ و محل وفات ذکر شده است. پس از آن، در برخی از مدخل‌ها، بخشی با عنوان «منابع درباره اثرآفرین» آمده است شامل مشخصات کتاب‌شناختی پاره‌ای منابع حاوی اطلاعات درباره اثرآفرین. مقاله‌های هر مدخل گاه به قلم مؤلفی واحد و گاه به قلم مؤلفان متعدّد اما در همه موارد نوشته‌هایی

مستقل‌اند. در آخر هر مقاله، اطلاعاتی کتاب‌شناختی آمده، به صورت کامل، شامل مشخصات چاپ‌های مهم اثر؛ نوشته‌های انتقادی درباره آن؛ ترجمه‌های مهم اثر به زبان آلمانی و گاه به زبان‌های دیگر؛ و، سرانجام، فیلم‌هایی که براساس اثر ساخته شده‌اند. آنچه در این مقاله‌ها به لحاظ محتوایی پیش از هر چیز دیگر جلب توجه می‌کند آن است که در همه آنها مضمون و درون‌مایه اثر وصف شده است؛ مثلاً اگر مقاله ژمانی را معرفی می‌کند، ماجرای رمان به اجمال شرح داده شده است. این بارزترین شباهت محتوایی مقاله‌ها با یکدیگر است. علاوه بر آن، شباهت‌های محتوایی دیگری وجود دارد که به وضوح نشان می‌دهد رعایت دستورالعمل واحدی برای مواد و عناصر تشکیل‌دهنده مقاله‌ها به مؤلفان توصیه شده است، هرچند ویراستاران در مقدمه به آن اشاره مستقیم نکرده‌اند بلکه، به عکس، بیشتر بر آزادی عمل مؤلفان تأکید کرده‌اند. در بیشتر مقاله‌های مربوط به ادبیات خلاق - دیدیم که دامنه آثار معرفی شده در دایرةالمعارف کیندلر از حدود ادبیات خلاق فراتر می‌رود - اطلاعاتی درباره سبک و فنون به کاررفته در اثر به دست داده شده است. مؤلفان به بستر تاریخی پیدایش آثار و جو سیاسی-اجتماعی زادگاه آنها توجه چندانی نشان نداده‌اند. در عوض، آنان به تاریخچه استقبال از آثار بیش و کم پرداخته‌اند و، در مقاله‌ها، عموماً اطلاعاتی درباره دامنه یا کیفیت این استقبال عرضه شده است.

از بزرگ‌ترین نقایص محتوایی مدخل‌های جلد‌های اول تا هفدهم نابرابری توجه به اثرآفرینان ادبیات غرب و شرق و موقف تبعیض‌آمیز در این زمینه، به رغم ادعای ویراستاران است. به عنوان شاهد، کافی است به دو مدخل «خواجه شمس‌الدین محمد حافظ» و «یوهان ولفگانگ فون گوته» نظر کنیم: در حالی که ۱۱۲ صفحه (ج ۶، ص ۴۲۹-۵۴۰) به بررسی آثار گوته اختصاص یافته، شاعر ایرانی، که در غرب و خصوصاً در کشورهای آلمانی زبان چهره ناشناسی نیست، تنها در کمتر از سه صفحه (ج ۷، ص ۱۵۸-۱۶۱) معرفی شده است؛ هر چند انتظار نمی‌رود که در دانشنامه‌ای از نوع کیندلر حجم مدخل این دو نماینده برجسته ادبیات آلمانی و فارسی برابر باشد به ویژه از این جهت که میدان سخن از گوته - شخصیتی با ابعاد گوناگون ادبی، سیاسی، و فکری و دارای آثار متعدد و متنوع - طبعاً می‌تواند گسترده‌تر باشد.

مدخل‌های جلد هجدهم و بخشی از جلد نوزدهم

این مدخل‌ها، چنان‌که پیش‌تر یاد شده، از دو نوع‌اند: یا، در قالب یک مقاله، اثری از اثرآفرینی ناشناس را معرفی می‌کنند و یا مجموعه‌مقاله‌هایی هستند که هر کدام از آنها به مایه غالب یا موضوعی واحد در ادبیات اقوام و ملل اختصاص دارند.

در مدخل‌های نوع اول، علاوه بر شرح محتوای اثر، عموماً توضیحات یا حدسیاتی درباره تاریخ پیدایش آن داده می‌شود و به سبک و تکنیک نگارش آن اشاره می‌رود. در پایان این مدخل‌ها نیز، اطلاعاتی کتاب‌شناختی، نظیر آنچه در پایان مقاله‌های مدخل‌های جلد‌های اول تا هفدهم به چشم می‌خورد، آمده است.

مدخل‌های نوع دوم نسبتاً مفصل یا حتی گاه بسیار مفصل و از ابتکاری‌ترین و مفیدترین بخش‌های دایرةالمعارف کیندلرند. در مقاله‌های ذیل هر مدخل، در مجموع، مسیر تاریخی موضوع یا مایه‌ای غالب پی گرفته می‌شود که در ادبیات ملل و اقوام جهان به گونه‌های متفاوت و در روایت‌های گوناگون پدید آمده است. مثلاً، در همان مدخل «داستان اسکندر» که پیش‌تر از آن یاد شد، پس از مقدمه‌ای کلی درباره اسکندرنامه، اسکندرنامه‌های یونانی، لاتینی، ارمنی، مصری، سوری، عربی، حبشی، ایرانی-فارسی، عثمانی-ترکی، مغولی، لاتینی میانه، روسی، فرانسوی قدیم، عبری، اسپانیایی، آلمانی میانه، چک قدیم، ژرمانیایی، و سرانجام یونانی میانه و جدید، هر یک در مقاله‌ای مستقل همراه با کتاب‌شناسی، معرفی شده‌اند. این مدخل‌ها، علاوه بر آنکه اطلاعات مفیدی از ادبیات جهان در اختیار خواننده می‌گذارند، از دیدگاه ادبیات تطبیقی نیز بسیار جالب توجه و ارزشمند بلکه کم‌نظیرند.

مدخل‌های بخشی از جلد نوزدهم و جلد بیستم

مدخل‌های بخشی از جلد نوزدهم و جلد بیستم، هر کدام، مقاله‌ای هستند که، در آن، ادبیات یکی از زبان‌ها، اقوام یا مناطق جهان اجمالاً معرفی شده است. در پایان هر مدخل کتاب‌شناسی آمده است. مدخل‌ها محتوای بسیار متفاوتی دارند و ظاهراً نویسندگان آزادانه و تنها با توجه به خصوصیات ادبیات موضوع هر مدخل، آنها را تنظیم کرده‌اند. مثلاً مدخل «ادبیات صرب» (ج ۲۰، ص ۴۶۲)، علاوه بر مقدمه‌ای کوتاه، بخش‌های «ادبیات

صربى قدیم»، «شکوفائی سرود حماسی»، «باز پیوستن به اروپا»، «کشف خویش در نهضت رمانتیک»، «رناليسم در ادبیات صربى»، «مُدرنيسم صربى»، «جریان‌های پیشرو»، «جریان‌های ادبی پس از جنگ جهانی دوم»، «ادوار شعر پس از جنگ» و «نمایشنامه» را شامل است. اما مدخل «ادبیات مغولی» متشکل از یک مقدمه و بخش‌های «تاریخ‌نویسی در کسوت ادبیات»، «ادبیات حماسی»، «روایت منثور» و «گذار به دوران جدید» است.

تفاوت‌های محتوایی موجود میان این مدخل‌ها، با توجه به تفاوت‌های فاحش ادبیات اقوام و فرهنگ‌ها و مناطق جهان، طبیعی می‌نماید. اما، به عکس، معرفى ادبیات پدیدآمده در نقاط گوناگون جهان بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های بنیادین موجود و در مدخل‌هایی با الگوی محتوایی واحد چندان منطقی نیست.

این مدخل‌ها، در مجموع، کیفیت علمی بالایی دارند و حاوی اطلاعات بسیار مفیدی هستند. در آنها، تاریخ‌ادبیات‌نگاری به معنای دقیق کلمه صورت گرفته است. نویسندگان سیر تاریخی ادبیات زبان‌ها و اقوام و مناطق جهان را به شیوه‌ای روانی بازتاب داده‌اند. بدین قرار، خواننده هر مدخل عموماً نه تنها اطلاعات فراوان و سودمندی درباره ادبیات موضوع آن کسب می‌کند بلکه تصویری جامع و پیوسته از سیر تحول و تکامل تاریخی آن نیز به دست می‌آورد. از محتوای مدخل‌ها پیداست که نویسندگان آنها عموماً متخصصان زبده ادبیاتی بوده‌اند که درباره آن نوشته‌اند.

ادبیات فارسی در دایرةالمعارف کیندلیر

در دایرةالمعارف کیندلیر، ادبیات فارسی و آثار آن معرفى شده است. در میان مدخل‌های جلدهای اول تا هفدهم، مدخل‌هایی به نام شاعران و نویسندگان فارسی از روزگار قدیم تا دوران جدید درج شده است. به عنوان نمونه، می‌توان از مدخل‌های «ابوالقاسم منصورین حسن، فردوسی» (ج ۵، ص ۴۷۹)، «ابوالفضل محمد بیهقی» (ج ۲، ص ۷۰)، «عبید زاکانی» (ج ۱۲، ص ۵۶۵)، «میرزا حبیب قآنی» (ج ۱۳، ص ۷۷۱)، «صادق چوبک» (ج ۴، ص ۳۲۱)، «علی محمد افغانی» (ج ۱، ص ۱۱۷)، و «مهدی اخوان ثالث»^۸ (ج ۱، ص ۱۵۲) نام برد. مدخل‌های

۸) مدخل‌ها به همان صورت که در دایرةالمعارف درج شده آمده است.

جلد هجدهم و بخشی از جلد نوزدهم نیز، که به آثار اثرآفرینان ناشناس یا تاریخ مایه غالب یا موضوعی واحد در ادبیات ملل اختصاص یافته‌اند، بعضاً با ادبیات فارسی یا ایرانی مربوط‌اند، مثلاً مدخل «ارداویراف‌نامه» (ج ۱۸، ص ۱۳۷) به قلم هلموت هوفمان^۹. سرانجام، در میان مدخل‌های بخشی از جلد نوزدهم و جلد بیستم، که در هر کدام ادبیات یکی از زبان‌ها، اقوام، یا مناطق جهان معرفی شده است، دو مدخل «ادبیات زردشتی ایران باستان و میانه» (ج ۲۰، ص ۵۲۳)، نوشته هلموت هوفمان و «ادبیات جدید فارسی» (ج ۲۰، ص ۵۲۸)، نوشته امیرعباس حیدری و تورج رهنما به معرفی ادبیات فارسی و ایرانی اختصاص دارند. اما کم و کیف معرفی ادبیات فارسی در دایرةالمعارف کیندلیر نه با قدر و قیمت این ادبیات تناسبی دارد و نه با تاریخ طولانی آن. پیش‌تر، از نگاه نابرابر به شرق و غرب در مدخل‌های جلدهای اول تا هفدهم سخن گفتیم؛ در اینجا می‌توان از دو نکته دیگر یاد کرد. نخست آنکه، در میان مدخل‌های بخشی از جلد نوزدهم و جلد بیستم، حتی یک مدخل به ادبیات کلاسیک فارسی ذری و تاریخ هزار و دویست ساله آن اختصاص نیافته است. دیگر آنکه نگارش مقاله‌های معرف آثار ادبیات فارسی در مدخل‌های جلدهای اول تا هفدهم به متخصصان سپرده نشده است؛ مثلاً بزرگ علوی هم مقاله «بوف کور» ذیل مدخل «صادق هدایت» (ج ۷، ص ۵۰۵) را نوشته است هم مقاله «بوستان» ذیل مدخل «سعدی» (ج ۱۴، ص ۵۷۸) را و هم مقاله «برگزیده اشعار فروغ فرخزاد» ذیل مدخل «فروغ فرخزاد» (ج ۵، ص ۴۰۶) را.

از جمله نویسندگان مدخل‌ها و مقاله‌های مربوط به ادبیات فارسی و ایرانی در دایرةالمعارف کیندلیر می‌توان، در کنار بزرگ علوی و هلموت هوفمان و امیرعباس حیدری و تورج رهنما که از آنان نام برده شد، از جواد وهاب‌زاده و گیزلا هسه^{۱۰} یاد کرد. باید افزود که بیشتر مقاله‌ها در این باب به قلم بزرگ علوی است.

دایرةالمعارف ادبی جدید کیندلیر، در مجموع، اثری است بسیار سودمند که حجمی عظیم، حتی می‌توان گفت استثنائی، از اطلاعات درباره ادبیات جهان را دربر دارد. این اثر برای کسانی که به کسب اطلاعاتی اولیه درباره آثار ادبیات جهان نیاز پیدا کنند یا

9) Helmut Hoffmann

10) Gisela Hesse

به تاریخ ادبیات ملل علاقه‌مند باشند مرجع ارزشمندی است. علاقه‌مندان به ادبیات تطبیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌جویند. در این باب، از جمله می‌توان به مدخل‌هایی اشاره کرد که در آنها ردّ موضوع یا مایه‌ای غالب در تاریخ ادبیات اقوام و ملل پی گرفته شده است.

منابع

- Deutsche Dichter, Leben und Werk deutschsprachiger Autoren*, Hg. Gunter E. GRIMM und Frank Rainer MAX, 8 Bde., Philipp Reclam jun., Stuttgart 2005.
- Killy Literaturlexikon: Autoren und Werke deutscher Sprache*, Hg. Walther Killy, 15 Bde., Gütersloh, Bertelsmann Lexikon Verlag, München 1988-1993.
- Kindlers Literatur Lexikon-Online-Testzugriff, URL: <http://www.uni-koblenz-landau.de/bibliothek/archiv/kindlers/>, (Abgerufen: 14 September 2010).
- Kindlers Neues Literatur Lexikon* (دایرةالمعارف ادبی جدید کیندلر)، Hg. Walter JENS, 20 Bde., Kindler, München 1988-1992.
- KROHN, Rüdiger, "Bestandaufnahmen aus wechselnder Perspektive: Neue Literaturlexika von Kindler, Bertelsmann und Harenberg", *Monatshefte*, vol. 84, No. 3 (Fall, 1992), pp. 352-359.

